

# الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو

سید محمدرضا محمودپناهی\*<sup>۱</sup>، زهرا پورجباری<sup>۲</sup>، بهاره جعفری<sup>۳</sup>

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، دوره اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

## چکیده

در گام دوم انقلاب اسلامی، بازنگری در الگوهای آموزشی به عنوان ابزاری اساسی برای تحقق اهداف بلندمدت انقلاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به چالش‌های جهانی و تحولات فرهنگی و اجتماعی، نیاز به الگویی آموزشی که همسو با ارزش‌های اسلامی و اهداف انقلاب باشد، بیش از پیش احساس می‌شود. در این باره نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو می‌تواند به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای طراحی الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی مفید واقع شود. این نظریه بر نقش سیستم آموزشی در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد و نشان می‌دهد چگونه آموزش می‌تواند از طریق سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی به تقویت هویت‌های

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Smpnani@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناس ارشد گروه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران  
poorjabarizahrav@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناس ارشد مطالعات سیاسی جهان اسلام، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران  
bahareh.jafari<sup>۹۸۷</sup>@gmail.com

---

اجتماعی و فرهنگی کمک کند. بر اساس این نظریه، الگوی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی باید نه تنها به تربیت نسلی متفکر، مسئول و متخصص بپردازد، بلکه از طریق اصلاح محتوای درسی و روش های آموزشی هم باید زمینه ساز حفظ هویت اسلامی و مقابله با تهدیدات فرهنگی و اجتماعی باشد. پژوهش حاضر به تحلیل الگوی جامعه پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی با استفاده از مفاهیم و اصول نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو و نیز بررسی چگونگی هم جهت این نظریه با اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی در زمینه آموزش و پرورش می پردازد. یافته های پژوهش نشان می دهند برای تحقق جامعه پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، سیستم آموزشی باید به گونه ای طراحی شود که به تقویت عدالت اجتماعی، توسعه هویت اسلامی و خودکفایی فرهنگی کمک کند.

#### کلیدواژه ها:

گام دوم انقلاب اسلامی، جامعه پردازی آموزشی، نظریه بازتولید فرهنگی، عدالت اجتماعی، هویت اسلامی.

## مقدمه

گام دوم انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۹۹ توسط مقام معظم رهبری بیان شد، نقطه عطفی در مسیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران است. در این بیانیه تأکید زیادی بر تربیت نسل‌های آینده با اتکا به ارزش‌های اسلامی و انقلابی شده است. به‌ویژه موضوعی که در این مسیر اهمیت زیادی دارد، اصلاح و بازسازی نظام آموزشی کشور است تا همسو با اهداف انقلاب، نسل‌های آینده تربیت شوند. در این راستا یکی از مفاهیمی که برجسته می‌شود، «جامعه‌پردازی آموزشی» است. این مفهوم به این معناست که نظام آموزشی نه تنها به انتقال دانش می‌پردازد، بلکه در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و اجتماعی نسل‌های آینده نیز نقش دارد. نظریه «بازتولید فرهنگی» پیر بوردیو که در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد، بیان می‌کند که نظام آموزشی می‌تولند نه فقط به انتقال اطلاعات و دانش بپردازد، بلکه در بازتولید فرهنگ و ایدئولوژی‌ها نیز نقش اساسی ایفا کند. در ایران، پس از انقلاب اسلامی، نظام آموزشی به عنوان یکی از ارکان مهم جامعه‌پردازی اسلامی مطرح شده است. با توجه به گام دوم انقلاب اسلامی که هدف آن تربیت نسلی متعهد به اصول اسلامی و انقلابی است، ضرورت بازنگری و طراحی مدل‌های آموزشی جدید کاملاً محسوس است. این مدل‌ها باید به گونه‌ای باشند که نسل‌های آینده را از لحاظ علمی، فرهنگی و اخلاقی آماده و هویت اسلامی و انقلابی آنها را تقویت کنند.

تربیت نسل‌های آینده با توجه به اصول اسلامی و انقلابی نه تنها به علم و دانش محدود نمی‌شود، بلکه به طور همزمان باید به تقویت باورهای دینی، فرهنگی و انقلابی نیز بپردازد. به این ترتیب نسل‌های آینده باید نه تنها قادر باشند با چالش‌های علمی و فناوری روز مقابله کنند، بلکه باید هویت اسلامی خود را در برابر تهاجمات فرهنگی و جهانی شدن حفظ نمایند. در این راستا طراحی یک الگوی آموزشی که بتواند این نیازها را برآورده کند، یک ضرورت است. این نسل باید در کنار دانش، به اصول اخلاقی و دینی نیز پایبند باشد تا از این طریق بتواند نقشی مؤثر در جامعه اسلامی ایفا کند. سیستم آموزشی ایران در حال حاضر با چالش‌های مختلفی روبه‌روست که می‌تواند مانع دستیابی به اهداف گام دوم انقلاب اسلامی شود. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کمبود منابع مالی، نبود

هماهنگی میان نهادهای مختلف آموزشی، ناتوانی در تطبیق برنامه‌های آموزشی با نیازهای اجتماعی و فرهنگی و مشکلات ساختاری و مدیریتی اشاره کرد. این مشکلات نه تنها از جنبه‌های اقتصادی بلکه از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز بر این سیستم تأثیر گذاشته است. بنابراین برای اینکه نظام آموزشی ایران بتواند به طور مؤثر در مسیر تربیت نسل‌های آینده عمل کند، نیاز به تغییرات اساسی در این سیستم وجود دارد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی است. این پژوهش به دنبال آن است که بررسی کند چگونه نظام آموزشی ایران می‌تواند با توجه به نظریه بازتولید فرهنگی، نقش مؤثری در شکل‌دهی هویت اسلامی و انقلابی نسل‌های آینده ایفا کند. علاوه بر این پژوهش به شناسایی چالش‌ها و موانع موجود در مسیر عملیاتی کردن این الگو پرداخته و راهکارهای رفع این مشکلات را نیز ارائه خواهد داد. هدف دیگر پژوهش، طراحی یک الگوی آموزشی جدید است که بتواند در تحقق اهداف گام دوم انقلاب اسلامی اثرگذار باشد.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که با توجه به چالش‌ها و مشکلات موجود در سیستم آموزشی ایران، چگونه می‌توان الگویی مناسب برای جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی طراحی کرد؟ این الگو باید همزمان به نیازهای علمی و فرهنگی نسل‌های آینده پاسخ دهد و هویت اسلامی و انقلابی آنها را تقویت کند. در این راستا بررسی و تحلیل رابطه بین مشکلات کنونی سیستم آموزشی و اهداف گام دوم انقلاب اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است.

سیستم آموزشی ایران با چالش‌های مختلفی مواجه است که مانع از تحقق اهداف گام دوم انقلاب اسلامی می‌شود. این چالش‌ها شامل کمبود منابع مالی، مشکلات ساختاری و مدیریتی، ناتوانی در هماهنگی برنامه‌های آموزشی با نیازهای اجتماعی و همچنین مقاومت‌های فرهنگی و اجتماعی در برابر تغییرات آموزشی هستند. این چالش‌ها نیاز به بازنگری اساسی در ساختار نظام آموزشی کشور را به طور جدی مطرح می‌کنند. برای اینکه بتوان این مشکلات را حل کرد، اصلاحات در سیستم آموزشی به‌ویژه در نحوه طراحی و اجرای الگوهای آموزشی ضروری است. چالش‌های موجود در سیستم آموزشی کشور به طور مستقیم با اهداف گام دوم انقلاب اسلامی مرتبط‌اند. این اهداف بر تربیت نسلی متعهد به اصول اسلامی و انقلابی تأکید دارند. مشکلات موجود در سیستم آموزشی

می‌تواند مانع دستیابی به این اهداف شود. بنابراین اصلاحات در سیستم آموزشی برای تحقق این اهداف ضروری است. در واقع اگر این مشکلات به طور جدی بررسی نشوند، دستیابی به نسل‌های آینده‌ای که توانایی مقابله با چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را داشته باشند، دشوار خواهد بود.

برای تحقق اهداف گام دوم انقلاب اسلامی، طراحی یک الگوی آموزشی جامع و متناسب با ارزش‌های اسلامی و انقلابی ضروری است. این الگو باید به گونه‌ای باشد که تمامی ابعاد آموزشی، فرهنگی و اجتماعی را در بر گیرد؛ همچنین باید به گونه‌ای طراحی شود که نسل‌های آینده را قادر سازد با حفظ هویت اسلامی و انقلابی خود، در دنیای مدرن و در مواجهه با چالش‌های جهانی شدن به موفقیت دست یابد. طراحی این الگو نیازمند هم‌افزایی میان نهادهای مختلف آموزشی و فرهنگی، همچنین توجه به اصول اسلامی و انقلابی در تمامی مراحل آموزشی است.

در نهایت این پژوهش به دنبال آن است با تحلیل دقیق و علمی راهکارهایی را برای طراحی و عملیاتی کردن این الگوی آموزشی جدید ارائه کند تا نظام آموزشی ایران بتواند در راستای اهداف گام دوم انقلاب اسلامی عمل کند و نسل‌های آینده را به طور مؤثر تربیت نماید.

## ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	اهداف یا سؤال اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
۱	الگوی جامعه‌پردازی نظام مردم‌سالاری دینی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	سید محمدرضا محمودپناهی، ۱۴۰۲، توصیفی-تحلیلی	بررسی شاخصه‌های الگوی جامعه‌پردازی در بیانیه گام دوم	الگوی جامعه‌پردازی در بیانیه گام دوم متفاوت از الگوی دولت-ملت غربی است و در جهت ملت-امت اسلامی می‌باشد. این الگو با پیشرفت همه‌جانبه بر پایه الگوی ایرانی-اسلامی و تقویت هویت ملی و

				اسلامی، زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است.
۲	تبیین معنا و مفهوم جامعه‌پردازی و جامعه‌سازی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)	اصغر افتخاری و محمدباقر باباهادی، ۱۴۰۳، توصیفی-تحلیلی	تبیین مفهوم جامعه‌پردازی در گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم	مفهوم جامعه‌پردازی در بیانیه گام دوم در کنار خودسازی و تمدن‌سازی، نشان‌دهنده ارتباط این سه مفهوم و فرایند پنج‌مرحله‌ای تحقق تمدن نوین اسلامی است.
۳	نقش و جایگاه آموزش و پرورش در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای	نازیلا ابراهیمی و خدایار پورحسین، ۱۴۰۳، مروری	بررسی نقش آموزش و پرورش در تحقق اهداف بیانیه گام دوم	آموزش و پرورش نقشی کلیدی در تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص دارد که برای پیش‌برد اهداف بیانیه گام دوم ضروری است.
۴	جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه «نظام انقلابی»	سیدابراهیم سرپرست، سادات، ۱۳۹۸، تحلیلی	بررسی رسالت جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب با تأکید بر نظریه نظام انقلابی	جامعه‌پردازی به عنوان مرحله‌ای پس از نظام‌سازی و دولت‌سازی، مقدمه‌ای برای تحقق تمدن اسلامی-ایرانی در شکل نوین آن است.
۵	شاخصه‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های	روح‌الله قاسمی و مهدی	تعیین شاخصه‌ها و عوامل مؤثر بر جامعه‌پردازی	ارزش‌های عدالت، مبارزه با فساد، استقلال و آزادی به عنوان ارزش‌های اصلی گام دوم

	جامعه‌پردازی جهادی در گام دوم انقلاب اسلامی	سیاوشی، ۱۴۰۱، تحلیلی	جهادی در گام دوم انقلاب	شناسایی شدند. عوامل مؤثر شامل نیروی انسانی متعهد، اقتصاد مقاومتی و علم و پژوهش هستند.
۶	طراحی الگوی راهبردهای فرهنگی تحول نظام آموزش عالی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	محمدرضا شرفی و همکاران، ۱۴۰۰، کیفی (تحلیل محتوا)	شناسایی راهبردهای فرهنگی برای تحول در نظام آموزش عالی بر اساس بیانیه گام دوم	تأکید بر نقش جوانان و جایگاه علم و دانش در بیانیه گام دوم و لزوم تحول در نظام آموزش عالی با توجه به این مؤلفه‌ها.
۷	واکاوی سبک زندگی اسلامی ایرانی و ابعاد تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی	علی سورانی و همکاران، ۱۴۰۲، تحلیلی	بررسی تأثیر سبک زندگی اسلامی ایرانی بر تحقق تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب	رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم می‌تواند راهنمای عملی برای جامعه کنونی و حل بسیاری از موانع پیشرفت ایران اسلامی باشد.
۸	نقش مردم در جامعه‌پردازی تمدن نوین اسلامی با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب	سحر نعمتی و حکیمه قاسم‌پور قاضی محله، ۱۳۹۸، توصیفی-	بررسی نقش مردم در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم	تأکید بر اهمیت مشارکت مردمی در فرایند جامعه‌پردازی و نقش آن در دستیابی به تمدن نوین اسلامی.

		تحلیلی		
۹	بیانیه گام دوم انقلاب: مبانی نظری و شاخص‌های «جامعه اسلامی» در اندیشه امام خامنه‌ای	محمدرضا شرفی، ۱۴۰۰، تحلیلی	تبیین مبانی نظری و شاخص‌های جامعه اسلامی در بیانیه گام دوم اسلامی.	ارائه شاخص‌های جامعه اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم و تأکید بر نقش آن در مسیر تمدن‌سازی اسلامی.
۱۰	نقش نظام انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب و ارتباط آن با تعیین ساختار کلان جامعه مهدوی	محمدرضا شرفی، ۱۴۰۲، توصیفی-تحلیلی	بررسی نقش نظام انقلابی در بیانیه گام دوم و ارتباط آن با ساختار جامعه مهدوی	تبیین ارتباط بین نظام انقلابی مطرح‌شده در بیانیه گام دوم و ساختار کلان جامعه مهدوی و نقش آن در تحقق اهداف انقلاب اسلامی.

در سال‌های اخیر، تلاش برای بازاندیشی در سیاست‌گذاری آموزشی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در راستای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، وارد مرحله‌ای تازه شده است. نوآوری این مقاله در ارائه الگویی مفهومی و کاربردی از جامعه‌پردازی آموزشی، مبتنی بر نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو، نه تنها بر تبیین وضعیت موجود تأکید دارد، بلکه در صدد است از خلال بازخوانی مفاهیم کلیدی چون میدان، منش (Habitus)، سرمایه فرهنگی و خشونت نمادین، امکان طراحی سازوکاری بومی برای تحول در سیاست‌گذاری آموزشی ایران را فراهم کند. این نوآوری از دو جهت دارای اهمیت است: نخست، در ادبیات علوم اجتماعی و سیاسی ایران، اغلب نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو به صورت انتزاعی یا انتقادی در حیطه آموزش بررسی شده، بدون آنکه تلاشی جدی برای

بومی‌سازی آن در چهارچوب گفتمان انقلاب اسلامی و اهداف تمدنی آن صورت گرفته باشد. دوم، نوآوری حاضر با پیوند میان جامعه‌پردازی آموزشی و منظومه فکری انقلاب اسلامی می‌کوشد الگویی ناظر به ارتقای سرمایه فرهنگی بومی و مقاوم‌سازی هویت دینی-ملّی ارائه کند.

مطالعات موجود در حوزه‌هایی چون سیاست‌گذاری آموزشی، بازتولید فرهنگی و آموزش به مثابه میدان اجتماعی، عمدتاً با رویکردهای انتقادی مارکسیستی یا لیبرال دموکراتیک صورت گرفته‌اند؛ درحالی‌که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خواستار بازتعریف سیاست‌های آموزشی بر مبنای اصولی چون عدالت آموزشی، ارتقای اخلاق، تقویت هویت اسلامی-ایرانی و تقویت مشارکت اجتماعی است. نوآوری مقاله حاضر در آن است که با بهره‌گیری خلاقانه از چارچوب بوردیو، به جای تکرار رویکردهای انتقادی صرف، از ظرفیت تحلیلی آن برای طراحی سیاست‌های انقلابی، فرهنگ‌ساز و مشارکت‌محور استفاده شود. از منظر بوردیو، آموزش نه صرفاً انتقال دانش بلکه بستری برای بازتولید نابرابری‌ها و سلطه فرهنگی است؛ اما در الگوی پیشنهادی این مقاله، با بازتفسیر مفاهیم کلیدی بوردیو در بستر انقلاب اسلامی، آموزش به مثابه ابزاری برای ارتقای عدالت فرهنگی، تقویت سرمایه فرهنگی انقلابی و اصلاح میدان‌های نهادینه شده قدرت در حوزه آموزش بازسازی می‌شود. این نوآوری از رهگذر تعامل مفهومی میان سه حوزه کلیدی شکل می‌گیرد: (۱) سیاست‌گذاری آموزشی با رویکرد تمدنی؛ (۲) نظریه بازتولید فرهنگی و منطق میدان‌ها؛ (۳) گفتمان گام دوم انقلاب اسلامی و افق تمدن نوین اسلامی.

از دیگر جنبه‌های متمایز نوآوری این مقاله تکیه بر پیوند میان سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی-مردمی است. بر خلاف نگاه‌های منفعلانه به سرمایه فرهنگی که صرفاً به آن به مثابه ابزاری برای بازتولید نابرابری می‌نگرند، مقاله حاضر در راستای مبانی گفتمان اسلامی، سرمایه فرهنگی را به عنوان ظرفیت‌سازی برای تقویت جامعه مدنی، مشارکت اجتماعی و سبک زندگی اسلامی معرفی می‌کند. الگوی پیشنهادی، ضمن نقد بازتولید منفعلانه ساختارهای فرهنگی، بر فرایند بازآفرینی فرهنگی کنش‌مند در میدان آموزش تأکید دارد. در این چارچوب، نظام آموزشی به عنوان عرصه‌ای برای تقویت منش انقلابی، ترویج هویت اسلامی-ایرانی و انتقال ارزش‌های مقاومت فرهنگی در نظر گرفته می‌شود؛ همچنین مقاله با مقایسه تطبیقی میان سیستم‌های آموزشی کشورهای مختلف در

مسیر ساخت تمدن‌سازی (نظیر مالزی، ترکیه، چین) تلاش دارد ویژگی‌های ممتاز یک الگوی بومی - تمدنی برای ایران را استخراج کند. توجه ویژه به نقش دانشگاه در تربیت کنشگران تمدنی، بررسی اخلاق در سیاست‌گذاری آموزشی و توجه به پیوند میان تعلیم دینی و سیاست‌گذاری عمومی، از دیگر نوآوری‌های محتوایی مقاله است. درنهایت مقاله با طراحی چارچوبی مفهومی شامل سه سطح (خُرد: منش دانش‌آموز/دانشجو، میانی: میدان آموزشی، کلان: سیاست‌گذاری و گفتمان انقلاب)، مدلی برای مداخله فعال در فرایند بازتولید فرهنگی ارائه می‌دهد که قابلیت به‌کارگیری در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و فرهنگی کشور را داراست.

## ۲. ابزار گردآوری اطلاعات: تحلیل محتوای اسناد بالادستی، بیانیه‌ها و مطالعات پیشین

در تحلیل محتوای اسناد بالادستی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌ویژه با توجه به نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو، مشاهده می‌شود که نظام آموزشی در ایران به عنوان ابزاری برای بازتولید هویت اسلامی و انقلابی عمل می‌کند و نقش آن تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود؛ بلکه در شکل‌دهی به روابط اجتماعی و فرهنگی نسل‌های آینده نیز تأثیرگذار است. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تأکید ویژه‌ای بر تربیت نسلی متعهد به اصول اسلامی و انقلابی شده است که این امر اهمیت آموزش را در ساخت هویت فردی و اجتماعی نسل‌های آینده برجسته می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۶ و ۵۲). از دیدگاه بوردیو، مفهوم «کاپیتال فرهنگی» تأثیر بسزایی بر فرایندهای آموزشی و اجتماعی دارد (Bourdieu, ۱۹۷۷: ۹۵) و به همین دلیل نظام آموزشی ایران، علاوه بر ارتقای علمی، برای تقویت فرهنگ انقلاب اسلامی نیز طراحی شده است. الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، با تأکید بر تحول بنیادین در نظام آموزشی، در تلاش است نسلی پرورش یابد که از یک سو از نظر علمی توانمند و از سوی دیگر از نظر فرهنگی و اجتماعی ریشه‌دار و مسئولیت‌پذیر باشد. این فرایند باید در تعامل میان دولت، مدارس، دانشگاه‌ها و خانواده‌ها به طور جامع و چندبعدی جاری شود (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۲۰۲۰: ۳/ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۲۰۱۶: ۱۲).

### ۳. روش تحلیل داده‌ها: تحلیل کیفی محتوای اسناد و تطبیق با اصول اسلامی

تحلیل کیفی محتوای اسناد به‌ویژه اسناد بالادستی مانند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به بررسی دقیق جملات و گزاره‌ها می‌پردازد تا ارزش‌ها، هویت‌ها و ساختارهای اجتماعی نهفته در آنها شناسایی شود. در این فرایند، تحلیلگر باید تلاش کند اهداف آموزشی مطرح‌شده در این اسناد را با آموزه‌های اسلامی تطبیق دهد. اصول اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی اسلام باید در کنار نظریه‌های جامعه‌شناختی چون نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو بررسی شوند. بوردیو تأکید دارد که آموزش می‌تولند نه تنها دانش بلکه سرمایه‌های فرهنگی - مانند فرهنگ اسلامی - و اجتماعی - مثل عدالت اجتماعی و وحدت ملی - را نیز بازتولید کند. این تحلیل به‌ویژه در گام دوم انقلاب اهمیت دارد؛ زیرا تمرکز آن بر تربیت نسل جدید با ارزش‌های اسلامی و انقلابی است. پژوهشگر باید بداند که چگونه این اسناد و بیانیه‌ها به طور غیرمستقیم سرمایه‌های فرهنگی را در جامعه تولید و آنها را وارد سیستم آموزشی می‌کنند.

الگوی جامعه‌پردازی نظام مردم‌سالاری دینی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌تواند اصول مردم‌سالاری را با ارزش‌های دینی و مشارکت اجتماعی هماهنگ کند. این مدل بر مبنای اصول اخلاقی و معنوی اسلام استوار است و برای تحقق هدف تقویت همبستگی اجتماعی، مفاهیم دینی باید در اسناد آموزشی گنجانده شوند تا جامعه‌ای بر اساس اصول اسلامی شکل گیرد (محمودپناهی، ۱۴۰۲: ۴۵). مفهوم جامعه‌پردازی در گفتمان انقلاب اسلامی طبق اندیشه‌های امام خامنه‌ای تأکید دارد که فرایند ساخت جامعه باید بر مبنای اصول اسلامی و اهداف انقلاب باشد. بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان نقشه راهی برای طراحی اسناد آموزشی، نقش مهمی در تقویت هویت اسلامی و ارزش‌های اجتماعی دارد و به تحقق جامعه‌ای مبتنی بر اصول اسلامی کمک می‌کند (افتخاری و بلباهادی، ۱۴۰۳: ۱۱۲). الگوی راهبردهای فرهنگی تحول نظام آموزش عالی نیز با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به ضرورت هماهنگ‌سازی محتوای آموزشی با آرمان‌های اسلامی اشاره دارد. این بیانیه می‌تواند نظام آموزش عالی را به سمت تربیت نسلی متعهد و ارزش‌مدار هدایت کرده و نقش مؤثری در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی ایفا نماید (شرفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۷).

مقاله «نقش مردم در جامعه‌پردازی تمدن نوین اسلامی» تأکید می‌کند که برای تحقق تمدن نوین اسلامی، مشارکت فعال مردم در فرایند آموزشی و فرهنگی ضروری است. این مشارکت باید با هماهنگی کامل با اصول اسلامی در آموزش و ساختارهای اجتماعی صورت گیرد تا فرهنگی اسلامی-ایرانی ترویج یافته، جامعه‌ای بر اساس این ارزش‌ها شکل گیرد (نعمتی و قاسم‌پور، ۱۳۹۸: ۶۴). مقاله «نقش نظام انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب» بر تأثیرات نظام انقلابی در شکل‌گیری جامعه مهدوی تأکید دارد و نشان می‌دهد برای دستیابی به این جامعه، اسناد آموزشی باید با اصول اسلامی هماهنگ شوند. بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان نقشه راهی مهم، جهت‌گیری‌های تحولی را در مسیر تحقق جامعه مهدوی و برنامه‌ریزی‌های کلان با تأکید بر اصول اسلامی مشخص می‌کند (شرفی، ۱۴۰۲: ۳۵).

#### ۴. تحلیل تطبیقی برخی از الگوهای آموزشی در کشورهای دیگر و بررسی نقاط قوت و ضعف آنها

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی با نگاهی به نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو به دنبال آن است که نظام آموزشی را به بستری برای تربیت نسلی آگاه، متعهد و مسئولیت‌پذیر تبدیل کند. در این مسیر، نگاهی تطبیقی به الگوهای موفق جهانی، مانند سیستم آموزشی فنلاند و ژاپن نشان می‌دهد هر جامعه بر اساس فرهنگ و ارزش‌های خود، نظام آموزشی خاصی را شکل می‌دهد. فنلاند با تأکید بر عدالت آموزشی و پرورش فردیت دانش‌آموزان، بستری را فراهم کرده که هر فرد بر اساس توانایی‌های خود رشد کند (Sahlberg, ۲۰۱۱: ۲۳). از سوی دیگر ژاپن با تمرکز بر انضباط و کار گروهی، نسلی را تربیت کرده که به انسجام اجتماعی و نظم پایبند است (Tsuneyoshi, ۲۰۱۳: ۴۵). اما در هر دو الگو، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. اینجا جایی است که نظریه بوردیو وارد عمل می‌شود؛ به باور او آموزش صرفاً انتقال دانش نیست، بلکه بستری برای بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است (Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۱۷). بنابراین الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در ایران نیز باید به گونه‌ای طراحی شود که همگام با ارزش‌های اسلامی و انقلابی، ظرفیت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان را تقویت کند.

با این حال چالش‌های متعددی پیش روی این الگو قرار دارد. یکی از مهم‌ترین مسائل، چگونگی ترکیب ارزش‌های اسلامی با نیازهای روز دنیای مدرن است؛ یعنی چگونه می‌توان در عین حفظ هویت دینی و فرهنگی، فضایی ایجاد کرد که خلاقیت، تفکر انتقادی و مهارت‌های عملی در دانش‌آموزان تقویت شود. نگاهی به تجربه فنلاند در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی (Sahlberg, ۲۰۱۱: ۲۹) و سیستم ژاپنی در ایجاد نظم و تربیت اخلاقی (Tsuneyoshi, ۲۰۱۲: ۵۲) می‌تواند الهام‌بخش باشد. اما آنچه مهم است، بومی‌سازی این تجارب بر اساس نیازهای جامعه ایران است. در نهایت الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی باید بستری باشد که نه تنها به انتقال دانش بلکه به پرورش انسان‌هایی متفکر، آگاه و متعهد کمک کند؛ افرادی که در برابر چالش‌های جهانی، ریشه در هویت اسلامی-ایرانی خود داشته باشند و در عین حال با دنیای مدرن تعامل سازنده‌ای برقرار کنند.

## ۵. مبانی نظری پژوهش

بر اساس دیدگاه بوردیو (Bourdieu, ۱۹۷۷)، نظام آموزشی به عنوان یک نهاد اصلی در فرایند اجتماعی‌سازی فرد عمل می‌کند و از طریق ساختارهای پنهان خود، سرمایه‌های فرهنگی موجود در جامعه را حفظ و تقویت می‌کند. وی اشاره می‌کند که «مدارس نه تنها دانش منتقل می‌کنند، بلکه روابط قدرت را هم تثبیت می‌کنند» (Bourdieu & Passeron, ۱۹۹۰: ۴۲). این فرایند، امری غیرقابل مشاهده است و از طریق مکانیزم‌هایی چون «گفتار معلم»، «روش ارزشیابی» و «نظام رتبه‌بندی» صورت می‌پذیرد که به شکل غیرمستقیم فرهنگ غالب را در قالب معیارهای شناختی و اخلاقی به دانش‌آموزان القا می‌کنند.

طبق نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو، سرمایه فرهنگی عبارت است از منابع فرهنگی (دانش، مهارت، سبک زبان، سلیقه‌های هنری) که افراد از محیط خانوادگی خود به دست می‌آورند و به موفقیت آنها در نظام آموزشی کمک می‌کند (Bourdieu, ۱۹۸۶: ۲۴۱). بنابراین نظام آموزشی نه تنها به انتقال دانش می‌پردازد، بلکه فرهنگ و ایدئولوژی طبقات برتر را بازتولید می‌کند و در واقع اقتدار فرهنگی-اجتماعی را به عنوان یک نوع سلطه نرم ادامه می‌دهد (Bourdieu, ۱۹۷۷: ۸۲).

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو، به دنبال ایجاد نظام آموزشی است که علاوه بر تقویت دانش علمی، ارزش‌های اسلامی و انقلابی را در نسل جوان نهادینه کند. طبق دیدگاه بوردیو، آموزش تنها به عنوان انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه ابزاری است برای بازتولید هنجارها و ارزش‌های اجتماعی (Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۱۷). بنابراین نظام آموزشی انقلاب اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموزان را به افرادی متعهد، آگاه و مسئولیت‌پذیر تبدیل کند. در همین راستا، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر تحول در نظام آموزشی تأکید دارد؛ به گونه‌ای که علاوه بر رشد علمی، زمینه‌ساز ارتقای بصیرت سیاسی و مسئولیت‌پذیری در نسل جوان باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۵). این تحول باید از آموزه‌های اسلامی سرچشمه بگیرد تا نسلی از متخصصان و متعهدان به انقلاب اسلامی پرورش یابد و الگویی برای سایر کشورهای اسلامی ارائه دهد.

در چارچوب نظری این الگو، مفاهیم بوردیو مانند «سرمایه فرهنگی»، «سرمایه اجتماعی» و «خسونت نمادین» می‌توانند به‌ویژه در زمینه بازتولید فرهنگ و سلسله‌مراتب اجتماعی در نهادهای آموزشی به طور مؤثری به کار گرفته شوند (Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۲۲). در گام دوم انقلاب اسلامی، هدف از این جامعه‌پردازی آموزشی تربیت نسلی است که علاوه بر موفقیت‌های علمی، بتوانند ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی را در هویت جمعی خود تقویت کند. این الگو باید تأکید ویژه‌ای بر عدالت اجتماعی و بازتولید هویت اسلامی-ایرانی در نهادهای آموزشی داشته باشد تا از این طریق سیستم آموزشی به ابزاری مؤثر برای تقویت عدالت و هویت ملی تبدیل شود (Bourdieu & Passeron, ۱۹۷۷: ۳۴/ Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۳۱).

## ۶. تعریف مفاهیم کلیدی: جامعه‌پردازی آموزشی، گام دوم انقلاب اسلامی، تربیت اسلامی و عدالت اجتماعی.

### الف) جامعه‌پردازی آموزشی

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو، بر این باور است که آموزش نه تنها به عنوان ابزاری برای انتقال دانش بلکه به عنوان فرایندی

برای انتقال هنجارها و ارزش‌های فرهنگی عمل می‌کند (Bourdieu, ۱۹۹۰: ۱۱۷). در این دیدگاه، نظام آموزشی باید به ابزاری برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی تبدیل شود و به جای بازتولید روابط قدرت و نابرابری‌های اجتماعی، به عنوان نیرویی برای تحول اجتماعی و تقویت هویت اسلامی عمل کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۵). این الگو به طور ویژه در تلاش است سرمایه فرهنگی را از ابزاری برای حفظ قدرت، به نیرویی برای ایجاد جامعه‌ای مستقل و عدالت‌محور تبدیل کند.

### ب) بیانیه گام دوم انقلاب

گام دوم انقلاب اسلامی که توسط مقام معظم رهبری در سال ۲۰۱۹ میلادی مطرح شد، به عنوان چشم‌اندازی برای تداوم اصول انقلاب اسلامی، توسعه فرهنگی و اجتماعی و تقویت هویت ملی و دینی ایران تعریف می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۱۲). این گام به‌ویژه بر بازسازی معنوی جامعه، تقویت خودباوری و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی تأکید دارد؛ درحالی‌که هدف اصلی آن ایجاد تمدن اسلامی و تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی است. همچنین این بیانیه، اهمیت همبستگی کشورهای اسلامی و مقابله با سلطه‌گری جهانی را برجسته می‌کند.

### ج) تربیت اسلامی و عدالت اجتماعی

تربیت اسلامی به عنوان فرایندی جامع، نه تنها به رشد علمی و فکری انسان‌ها بلکه به ارتقای اخلاقی، اجتماعی و دینی آنان می‌پردازد. این رویکرد بر اساس اصول اسلامی، به تحقق عدالت اجتماعی توجه دارد و هدف آن ایجاد جامعه‌ای عادلانه است که در آن برابری، انصاف و احترام به حقوق دیگران مد نظر قرار گیرد (مطهری، ۱۳۶۵: ۴۲). در این فرایند، عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ارکان تربیت اسلامی، تأکید می‌کند که فرصت‌های برابر و دسترسی به منابع برای همه افراد فراهم شود تا در نهایت افراد در جهت اهداف اجتماعی و دینی جامعه حرکت کنند.

### د) بازتولید فرهنگی در نظریه بوردیو

بوردیو، یکی از مهم‌ترین اندیشمندان علوم اجتماعی، نظریه بازتولید فرهنگی را بر اساس

مفاهیمی همچون «سرمایه فرهنگی»، «عادت‌واره» (Habitus) و «میدان» (Field) مطرح می‌کند.

- سرمایه فرهنگی به دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی اشاره دارد که از طریق خانواده و نظام آموزشی منتقل شده، به افراد امکان می‌دهد جایگاه اجتماعی خود را حفظ کنند یا ارتقا دهند.
  - عادت‌واره الگویی ذهنی و رفتاری است که افراد در محیط اجتماعی خود شکل می‌دهند و به طور ناخودآگاه در رفتارهای روزمره آن را بازتولید می‌کنند.
  - میدان فضایی اجتماعی است که افراد در آن برای به‌دست آوردن سرمایه‌های مختلف -مانند سرمایه فرهنگی، اقتصادی یا اجتماعی- رقابت می‌کنند.
- از نگاه بوردیو، بازتولید فرهنگی معمولاً در راستای تثبیت قدرت و نابرابری‌های اجتماعی عمل می‌کند (برهنمن، ۲۰۱۸: ۱۰۰)؛ اما این مفهوم را می‌توان در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بازنگری کرد.

## هـ) تطبیق بازتولید فرهنگی و چارچوب جامعه‌پذیری آموزشی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که توسط رهبر انقلاب اسلامی ایران صادر شده است، بر ایجاد تمدن نوین اسلامی و دستیابی به «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» تأکید دارد. در این چارچوب بازتولید فرهنگی در چارچوب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به قرار زیر است:

### فرهنگ‌سازی بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم بر تقویت هویت اسلامی و ایرانی تأکید دارد تا بتواند در برابر سلطه فرهنگی غرب مقاومت کند. در این نگاه، بازتولید فرهنگی به ابزاری برای گسترش ارزش‌های اسلامی و عدالت اجتماعی تبدیل می‌شود (نوغانی، ۲۰۰۴).

### سرمایه فرهنگی در خدمت عدالت و پیشرفت

درحالی‌که بوردیو بازتولید فرهنگی را ابزاری برای حفظ نابرابری‌های اجتماعی می‌داند، بیانیه گام دوم

از سرمایه فرهنگی به عنوان ابزاری برای پیشرفت، عدالت‌طلبی و توانمندسازی نسل جوان بهره می‌گیرد. در این باره نظام آموزشی و رسانه‌ای باید فضایی ایجاد کند که به کاهش شکاف‌های اجتماعی و پرورش انسان‌های متعهد به آرمان‌های اسلامی منجر شود (مؤید حکمت، ۲۰۱۳: ۱۵۹).

### بازتولید هویت فرهنگی در برابر جهانی‌سازی غربی

بیانیه گام دوم تأکید می‌کند که فرهنگ اسلامی باید مستقل از هژمونی غربی عمل کند و به جای تقلید از غرب، بر اساس ارزش‌های بومی و دینی گسترش یابد. در این نگاه، مفهوم بازتولید فرهنگی می‌تواند به ابزاری برای تقویت مقاومت فرهنگی و ایجاد تمدن نوین اسلامی تبدیل شود (آرمین منصور و همکاران، ۲۰۲۲: ۳۰۳).

در نظریه بوردیو بازتولید فرهنگی ابزاری برای حفظ قدرت و نابرابری‌های اجتماعی است؛ اما در گفتمان بیانیه گام دوم، این مفهوم می‌تواند به ابزاری برای تحول اجتماعی و ایجاد عدالت تبدیل شود. برای این هدف:

۱. عادت‌واره‌های اجتماعی جلید باید با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی و در راستای نیازهای امروز جوانان شکل بگیرند.
۲. سرمایه فرهنگی باید در خدمت تقویت عدالت، اخلاق‌مداری و پیشرفت قرار گیرد.
۳. میدان فرهنگی باید از ابزاری برای تثبیت نابرابری‌ها به فضایی برای تحول‌آفرینی و تحقق مردم‌سالاری دینی تغییر کند.

این تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد چگونه می‌توان مفاهیم بوردیو را در فضای گفتمانی انقلاب اسلامی بازتفسیر کرد و از آن برای تحقق آرمان‌های تمدن نوین اسلامی بهره برد. الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، با الهام از نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو، به دنبال تحولی در نظام آموزشی است که نه تنها به تثبیت هنجارها و ارزش‌های موجود نپردازد، بلکه به ابزاری برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و ساخت تمدن نوین اسلامی تبدیل شود. بوردیو معتقد است نهادهای اجتماعی، از جمله آموزش، نقشی کلیدی در بازتولید قدرت و حفظ نابرابری‌ها ایفا می‌کنند (Bourdieu, 1990: 117)؛ اما بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی این مفهوم را تغییر داده، آموزش را به ابزاری

برای تحول اجتماعی، تقویت هویت اسلامی و تحقق عدالت تبدیل می‌کند. در این گفتمان، نظام آموزشی به عنوان عامل اصلی در انتقال ارزش‌های اسلامی و عدالت‌محور به نسل‌های آینده به‌ویژه جوانان در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد فرهنگی نه تنها در مقابله با سلطه فرهنگی غرب حرکت می‌کند، بلکه به عنوان نیرویی برای پیشرفت، عدالت‌خواهی و تقویت هویت اسلامی عمل می‌کند. در این مسیر، سرمایه فرهنگی دیگر ابزاری برای حفظ قدرت‌های حاکم نیست، بلکه به نیرویی برای ساخت جامعه‌ای مستقل و عدالت‌محور در راستای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی تبدیل می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۵).

لذا اصول محوری الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی به پنج اصل بنیادین تقسیم می‌شود: اول، تربیت عقلانی که بر تفکر انتقادی و استفاده از عقل برای حل مشکلات جامعه تأکید دارد. دوم، دین‌داری که به عنوان هسته اصلی هویت اسلامی جامعه مطرح است. سوم، خودکفایی علمی و فرهنگی که هدف آن کاهش وابستگی به علوم وارداتی و تأکید بر تولید و بومی‌سازی علم است. چهارم، عدالت اجتماعی که به دنبال فراهم کردن فرصت‌های برابر آموزشی برای همه افراد جامعه و تخصیص عادلانه منابع است. پنجم، خانواده‌محوری که نقش خانواده را در تربیت نسل جدید مهم می‌داند. این اصول در صورتی که به طور صحیح در سیستم آموزشی به کار گرفته شوند، می‌توانند به ایجاد یک جامعه اسلامی مبتنی بر عدالت و خودکفایی کمک کنند. در اینجا به طور مفصل به تبیین هر یک از این اصول و ارتباط آنها با یکدیگر پرداخته می‌شود.

- تربیت عقلانی در این الگو، به جای صرفاً انتقال اطلاعات علمی، بر پرورش افرادی تأکید دارد که قادر به تحلیل مسائل پیچیده و ارائه راه‌حل‌های مناسب با استفاده از تفکر انتقادی باشند. هدف آن است که فرد در مواجهه با اطلاعات مختلف، به طور فعال و با عقل خود به درک عمیق‌تری از مسائل اجتماعی، فرهنگی و دینی دست یابد (عالی، ۲۰۱۸: ۱۰۹).

- دین‌داری به عنوان هسته اصلی هویت اسلامی در این مدل آموزشی، نه تنها یک اصل فردی بلکه یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی است. هدف این اصل آن است ایمان فردی و اجتماعی را تقویت و نسل جدید را با آموزه‌های دینی خود آشنا گرداند تا در برابر چالش‌های

فرهنگی و اجتماعی مقاومت کند (سیاحی‌زاده فرد، ۱۴۰۳: ۵).

- اصل «خودکفایی علمی و فرهنگی» بر استقلال علمی و فرهنگی تأکید دارد و به جای وابستگی به علوم وارداتی، تولید علم بومی و متناسب با نیازهای جامعه اسلامی را در اولویت قرار می‌دهد. هدف این اصل، دستیابی به خودکفایی در عرصه‌های علمی و فرهنگی و بومی‌سازی دانش برای تحقق جایگاه جهانی است (نجاتی منظری و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۳۰).

- عدالت اجتماعی در این مدل آموزشی بر تأمین فرصت‌های برابر برای تمام اقشار جامعه تأکید دارد و هدف آن جلوگیری از محرومیت افراد از آموزش باکیفیت است. این اصل به‌ویژه به اقشار محروم و حاشیه‌نشین توجه دارد و تلاش می‌کند با تخصیص عادلانه منابع، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی کاهش یابد (سجودی و همکاران، ۲۰۲۴: ۲۲۶).

- در این الگو، خانواده به عنوان اولین نهاد تربیتی و آموزشی با همکاری نهادهای آموزشی، نقش کلیدی در تربیت اخلاقی و شکل‌دهی به هویت فرهنگی و دینی نسل جدید ایفا می‌کند. این فرایند به طور هم‌زمان آموزش‌های دینی، فرهنگی و علمی را در خانه و مدرسه به نسل جدید منتقل می‌کند (محمدی و فردین، ۲۰۱۹: ۱۴).

در مجموع این پنج اصل محوری در کنار هم می‌توانند به طور مؤثر به ایجاد یک جامعه اسلامی مبتنی بر عدالت، خودکفایی، همبستگی اجتماعی و هویت دینی کمک کنند. تحقق این اصول در سیستم آموزشی جامعه می‌تواند تحول چشمگیری در ساختار آموزشی کشور ایجاد کرده و نسل‌های جدید را برای مقابله با چالش‌های جهانی و داخلی آماده کند.

نهادهای آموزشی نقش حیاتی در تحقق بخشیدن به این اصول دارند. معلمان و مربیان باید با درک عمیق از این اصول، آنها را در فرایند آموزشی خود به کار گیرند. این نهادها باید در همکاری با خانواده‌ها و نهادهای دینی، محیط آموزشی مناسب را برای پرورش نسلی با هویت اسلامی، خودکفایی علمی و فرهنگی و آگاهی اجتماعی فراهم کنند. همچنین توسعه نهادهای پژوهشی و سامانه‌های حمایتی می‌تواند به تحقق این اصول کمک کند. ایجاد مراکز علمی و پژوهشی بومی که در آنها تحقیق و توسعه علمی و فرهنگی به طور مستقل انجام شود، می‌تواند به تولید دانش و علمی متناسب با نیازهای داخلی جامعه اسلامی کمک کند (عسکری، الهی‌منش و پریزاد، ۲۰۱۹: ۱۱۷).

با توجه به چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در دنیای کنونی، این الگو می‌تواند به عنوان راهبردی مؤثر برای مقابله با تهدیدات فرهنگی و ساخت تمدنی نوین اسلامی عمل کند. در این شرایط، اجرایی کردن این اصول در نظام آموزشی می‌تواند به تقویت هویت اسلامی و اجتماعی نسل جدید یاری رساند و آنها را برای مقابله با مشکلات جهانی و فرهنگی آماده کند. درنهایت الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی، به عنوان یک طرح جامع، می‌تواند به طور مؤثر برای ایجاد جامعه‌ای پیشرفته، عادلانه و اسلامی عمل کند. اگر این اصول به صورت جامع در سیستم آموزشی کشور عملیاتی شوند، می‌تواند به ایجاد یک جامعه مستقل و توسعه‌یافته کمک کند که بتواند با چالش‌های جهانی و اجتماعی مقابله کند.

## ۷. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش درباره الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو، نشان می‌دهند هدف این الگو بازتولید هویت اسلامی و انقلابی در نسل‌های جدید است. در این مسیر، نظام آموزشی تنها به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه به طور فعال در تقویت ارزش‌های فرهنگی، هویت ملی اسلامی و عدالت اجتماعی در جامعه نقش دارد. این رویکرد به دنبال تربیت نسلی است که هم از نظر علمی و فرهنگی مستقل باشد و هم هویت دینی خود را حفظ کند. در نتیجه هدف این الگو آن است که وابستگی به علوم غربی کاهش یابد و فرصت‌های برابر برای همه افراد در آموزش فراهم شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند با تغییرات مناسب در سیستم آموزشی می‌توان به خودکفایی علمی و فرهنگی رسید و عدالت اجتماعی را در آموزش و پرورش تحقق بخشید.

## ۸. تحلیل ویژگی‌های الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، بر اساس نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو، طراحی نظام آموزشی مبتنی بر هویت ملی اسلامی و اصول انقلابی را هدف قرار داده است. این الگو به جای صرف آموزش مباحث دینی، به تربیت انسان‌هایی می‌پردازد که قادر به تفکر انتقادی

و تحلیل مسائل اجتماعی، فرهنگی و علمی از منظر اسلامی باشند. در این رویکرد، تربیت عقلانی و ارتقای توانایی تحلیل مسائل دینی و اجتماعی با استفاده از اصول اسلامی، در اولویت قرار دارد. این الگو بر تقویت دین‌داری به عنوان اصل بنیادین برای حفظ هویت دینی و مقابله با تهدیدات فرهنگی و اجتماعی تأکید می‌کند و تولید علم متناسب با نیازهای جامعه اسلامی و کاهش وابستگی به علوم غربی را هدف‌گذاری کرده است. همچنین این سیستم بر بومی‌سازی علم و تقویت نهادهای علمی و پژوهشی داخلی تأکید دارد تا جامعه اسلامی بتواند با حفظ هویت خود در دنیای مدرن پیشرفت کند. به طور کلی این الگو به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن علم و دین به طور متقابل از هم تقویت شوند و نسل‌های آینده بتوانند در عرصه‌های علمی و فرهنگی، با حفظ اصول اسلامی، به ارتقای جامعه کمک کنند.

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، با توجه به نظریه بازتولید فرهنگی پیر بورديو، به دنبال آموزش نسل‌های آینده است تا در دنیای مدرن، همزمان با حفظ هویت اسلامی، توانایی مقابله با چالش‌های جهانی را پیدا کنند. این رویکرد نه تنها بر رقیب در عرصه‌های علمی و فرهنگی تأکید دارد، بلکه به پرورش افرادی متعهد به اصول اسلامی و ساخت آینده‌ای پایدار بر مبنای ارزش‌های اسلامی نیز می‌پردازد. هدف اصلی این الگو ایجاد جامعه‌ای است که در آن علم و دین نه تنها تضادی ندارند، بلکه به یکدیگر کمک می‌کنند. عدالت اجتماعی یکی از ارکان این الگوست که بر فرصت‌های آموزشی برابر برای تمامی اقشار به‌ویژه اقشار محروم، تأکید دارد و به دنبال از بین بردن نابرابری‌های آموزشی است. بر خلاف الگوهای غربی که بر فردگرایی تأکید دارند، این مدل بر همبستگی اجتماعی و موفقیت جمعی تأکید می‌کند. در این رویکرد، رشد فردی زمانی ارزشمند است که به نفع جامعه باشد و در راستای اهداف اجتماعی و فرهنگی مشترک قرار گیرد و همچنین بر تقویت نهادهای اجتماعی و همکاری جمعی برای ارتقای آگاهی عمومی و فرهنگ جامعه تأکید دارد. الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی همچنین به نقش نهادهای دینی و فرهنگی در فرایند آموزشی توجه دارد. در این مدل، همکاری میان نهادهای آموزشی و دینی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این همکاری می‌تواند به‌ویژه در ترویج اخلاق اسلامی، ارزش‌های اجتماعی و دینی و تبیین جایگاه دین در زندگی فردی و اجتماعی مؤثر واقع شود. بنابراین آموزش نباید تنها به یادگیری مفاهیم علمی

محدود شود، بلکه باید به طور جامع بر تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأثیرگذار باشد تا فرد نه تنها از نظر علمی بلکه از نظر اخلاقی و دینی نیز به رشد و تعالی دست یابد. از طرف دیگر این الگو به دنبال ایجاد محیطی آموزشی است که تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی و اجتماعی در آن نه تنها منجر به شکاف و تنش نشود، بلکه به عنوان فرصتی برای غنی‌سازی تجربیات آموزشی و پرورش روحیه همبستگی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. در این الگو، افراد با هر پیشینه فرهنگی و اجتماعی، فرصتی برابر برای آموزش دارند و می‌توانند در محیطی عادلانه رشد کنند. به این ترتیب هر فردی، فارغ از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند نقش مؤثری در ساخت جامعه‌ای اسلامی و پیشرفته ایفا کند. در مقایسه با نظام‌های آموزشی غربی که معمولاً بر فردگرایی، رقابت و تکثرگرایی تأکید دارند، الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی به دنبال ایجاد یکپارچگی و هماهنگی بیشتر در سطح جامعه است. این الگو به جای آنکه افراد را تنها به سوی موفقیت فردی و رقابت با یکدیگر سوق دهد، آنها را به سمت همبستگی و موفقیت جمعی هدایت می‌کند. به عبارت دیگر، در این مدل، موفقیت فردی تنها زمانی ارزشمند است که به موفقیت جمعی و بهبود وضعیت کلی جامعه کمک کند. این رویکرد می‌تواند در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی باعث تقویت انسجام اجتماعی شود و شکاف‌های موجود در جامعه را کاهش دهد.

الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی همچنین به بازنگری در محتوای آموزشی و ساختار نظام آموزشی تأکید دارد. در این مدل، ضروری است محتوای آموزشی با نیازهای فرهنگی و دینی جامعه اسلامی هم‌افق شود. این همسویی نه تنها به برطرف کردن چالش‌های روز جامعه اسلامی کمک می‌کند، بلکه از طریق ارتقای محتوای آموزشی که ارزش‌های دینی را در خود گنجانده است، نسلی متعهد و آگاه تربیت می‌شود. این امر به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی بسیار مهم است؛ زیرا این علوم باید با دیدگاه اسلامی و بومی تدریس شوند و از نظریه‌ها و مدل‌های غربی که با ارزش‌های اسلامی همخوانی ندارند، اجتناب شود. در نهایت الگوی جامعه‌پردازی آموزشی اسلامی به عنوان یک طرح جامع و مؤثر برای تحول نظام آموزشی کشور مطرح می‌شود. این الگو در پی ایجاد بستری است که در آن نسل جدید نه تنها از نظر علمی بلکه از نظر فرهنگی و دینی نیز آماده باشد تا در مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی گام بردارد. در شرایط کنونی که جوامع

اسلامی با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی فراوانی مواجه‌اند، این الگو می‌تواند به عنوان نقشه‌راهی برای ایجاد جامعه‌ای پیشرفته، عادلانه و اسلامی عمل کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به طور کلی بر این نکته تأکید دارد که الگوی جامعه‌پردازی آموزشی در گام دوم انقلاب اسلامی، با تکیه بر نظریه بازتولید فرهنگی پیر بردیو، در پی شکل‌دهی هویت اسلامی و انقلابی در نسل‌های آینده است. با تحلیل اسناد بالادستی و بیانیه‌ها به ویژه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مشخص می‌شود که نظام آموزشی نه تنها به انتقال دانش می‌پردازد، بلکه در بازتولید فرهنگ و ایدئولوژی انقلاب اسلامی نیز نقش اساسی ایفا می‌کند. این الگو به ویژه بر تربیت نسلی متعهد به اصول اسلامی و انقلابی تأکید دارد که نقش مهمی در شکل‌دهی هویت فردی و اجتماعی نسل‌های آینده خواهد داشت. همچنین ویژگی‌های این الگو، مانند تربیت عقلانی، خودکفایی علمی و فرهنگی و عدالت اجتماعی، زمینه‌ساز توسعه یک سیستم آموزشی است که از وابستگی به علوم غربی رها شده و قادر به مقابله با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی عصر حاضر باشد. این ویژگی‌ها، در مواجهه با جهانی شدن، به عنوان الگویی مقاومتی در جهت حفظ هویت اسلامی و تقویت فرهنگ بومی عمل می‌کنند.

با این حال در مسیر عینیت‌بخشی به این الگو با چالش‌هایی همچون کمبود منابع مالی، عدم هماهنگی میان نهادهای آموزشی و مقاومت‌های فرهنگی و اجتماعی روبه‌رویم. این پژوهش بر اهمیت ایجاد تغییرات ساختاری و مدیریتی در سیستم آموزشی تأکید دارد و به این نتیجه می‌رسد که با اصلاحات اساسی و تلاش‌های مشترک در زمینه سیاست‌گذاری آموزشی، می‌توان به نسل آینده‌ای تربیت‌شده در راستای آرمان‌های اسلامی و انقلابی دست یافت. در مجموع این الگو می‌تواند به شکل‌گیری نسلی متعهد و متخصص که به اصول انقلاب اسلامی پایبند است، کمک کند. با اجرای چنین الگویی، جامعه قادر خواهد بود هویت اسلامی خود را در برابر تهدیدات فرهنگی و اجتماعی حفظ کند و از ظرفیت‌های داخلی برای مقابله با چالش‌ها استفاده کند. این نسل همچنین می‌تواند با به‌کارگیری تخصص‌های علمی خود، به استقلال علمی کشور کمک کند و از وابستگی‌های فرهنگی و

علمی به غرب بکااهد. در نهایت این الگو می‌تولند به تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی یعنی تربیت نسلی متعهد به آرمان‌ها و هدف‌های اسلامی منجر شود.

## پیشنهادها

برای اجرایی شدن این الگو پیشنهاد می‌شود اصلاحات در سیستم آموزشی به طور جدی و عملی آغاز شود. دولت و نهادهای آموزشی باید به طور هماهنگ سیاست‌های آموزشی را بازنگری کنند تا از انطباق کامل با ارزش‌های اسلامی و انقلابی اطمینان حاصل شود. علاوه بر این باید در سطح مدارس و دانشگاه‌ها برنامه‌های آموزشی مبتنی بر اصول اسلامی و انقلابی طراحی شود؛ همچنین برای موفقیت این برنامه‌ها، باید معلمان و استادان در دوره‌های آموزشی ویژه‌ای شرکت کنند که در آنها هم دانش تخصصی و هم آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی ارائه شود.

### ۱. راهکارهای عملی برای اجرایی‌سازی الگوی پیشنهادی

برای اجرایی کردن این الگو باید یک سیستم نظارتی و ارزیابی کارآمد ایجاد شود. این سیستم می‌تواند با کمک نهادهای دولتی و خصوصی بر روند اجرای این تغییرات نظارت کند و از تأثیرات آن در جامعه مطمئن شود. همچنین دوره‌های آموزشی برای معلمان و استادان باید به طور مستمر برگزار شود تا آنها بتوانند با شیوه‌های نوین تدریس و روش‌های آموزشی جدید آشنا شوند. علاوه بر این باید توجه ویژه‌ای به تربیت نسل‌های آینده از طریق خانواده‌ها و نهادهای مردمی معطوف شود تا آموزش‌ها تنها به سیستم‌های دولتی محدود نشود.

### ۲. پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران آموزشی، معلمان و خانواده‌ها

پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران آموزشی به طور جدی و خاص به نیازهای فرهنگی و دینی نسل‌های آینده توجه کنند و برنامه‌ها و سیاست‌ها را بر اساس این نیازها طراحی کنند. معلمان نیز باید از برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای برخوردار شوند که آنها را به شیوه‌های جدید آموزشی و تربیتی آشنا کند. علاوه بر این خانواده‌ها نیز باید در تربیت نسل‌های آینده نقش مهمی ایفا کنند و آموزش‌های اخلاقی و

---

دینی را در کنار آموزش‌های تخصصی به فرزندان خود ارائه دهند.

### ۳. پیشنهاد برای ادامه پژوهش در زمینه‌های مرتبط

- تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تأثیر آنها بر نظام‌های آموزشی در سطح جهان؛
- آینده‌پژوهی توسعه بومی‌سازی علوم انسانی و اجتماعی با تأکید بر تفکر انتقادی اسلامی؛
- بررسی نهادهای علمی و پژوهشی برای تقویت خودکفایی علمی؛
- بررسی تأثیر بومی‌سازی علوم بر بازتولید سرمایه فرهنگی در نظام آموزشی ایران.

## منابع

- برهنمن (۲۰۱۸). تبیین و نقد اهداف تربیت فرهنگی بوردیو (بر اساس دیدگاه‌های امام خمینی (ره)). پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶ (۳۸)، ۷۷-۱۰۴.
- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۲۰۲۰). سند استراتژیک برای آینده انقلاب اسلامی. تهران: دفتر نشر معارف.
- خامنه‌ای، س.ع (۱۳۸۰). ولایت فقیه و تحولات اجتماعی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، س.ع (۱۳۹۸). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر مقام معظم رهبری.
- خامنه‌ای، س.ع (۱۳۹۹). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- سجودی، عادل، نیازی، و نقی‌پور ایوکی (۲۰۲۴). فراتحلیل مطالعات رابطه سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی در ایران (با تأکید بر متغیر تعدیل‌گر گروه سنی). دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/ نامه صادق)، ۳۱ (۱)، ۲۳۶-۲۰۹.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۲۰۱۶). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- سیاحی‌زاده فرد، سیدحسنعلی (۱۴۰۳). تربیت دینی دانش آموزان در نظام آموزش و پرورش کشور؛ وضعیت سنجی، چالش‌ها و الزامات سیاستی. گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۳۲ (۷)، ۱-۱۰.
- عالی (۲۰۱۸). بوردیو و تحلیل مسائل اجتماعی در پژوهش تربیتی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۴ (۹۶)، ۱۱۷-۱۰۵.
- نجاتی منظری، عباس، سعیدی، جوادی حمید، و داودی، علی‌اصغر (۲۰۲۵). بازنمایی هویت در گفتمان اسلام سیاسی نوگرا پس از انقلاب اسلامی ایران. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، ۳ (۵)، ۱۳۹-۱۲۲.
- عسکری، الهی‌منش و پریراد (۲۰۱۹). مقایسه سیاست‌گذاری آموزشی ایران و ژاپن در مقطع ابتدایی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۹ (۳۰)، ۱۱۳-۱۳۲.
- محمدی، و فردین (۲۰۱۹). دیدگاه بوردیو در باب میدان آموزش: فراسوی دیدگاه‌های تضاد و کارکردگرایی. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۹ (۱)، ۵-۲۵.
- مطهری، م. (۱۳۶۵). عدالت اجتماعی در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- منصوری، آرمین، سلیمانی خشاب، عباسعلی و علم‌الهدی، سیدعبدالرسول (۲۰۲۲). ارزیابی و نقش

هویت‌های دینی و ملی در هویت انقلابی دانش‌آموزان نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۲ (۲۶)، ۲۹۳-۳۲۳.

مؤید حکمت (۲۰۱۳). درآمدی بر رویکرد روش‌شناختی پیر بوردیو به مفهوم سرمایه فرهنگی. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۴ (۱)، ۱۷۸-۱۵۵.

نوغانی، محسن (۲۰۰۴). آموزش و پرورش و بازتولید فرهنگی. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۲.

Bourdieu, P. (۱۹۷۷). *Reproduction in education, society and culture*. Sage Publications.

Sahlberg, P. (۲۰۱۱). *Finnish Lessons: What Can the World Learn from Educational Change in Finland?* Teachers College Press.

Tsuneyoshi, R. (۲۰۱۳). *Japanese model of schooling*. Comparisons with the US. Routledge.

Bourdieu, P. (۱۹۹۰). *The Logic of Practice*. Stanford University Press.

Bourdieu, P., & Passeron, J. C. (۱۹۹۰). *Reproduction in education, society and culture*, (Vol. ۴). Sage.

Bourdieu, P. (۱۹۸۶). The forms of capital. *Handbook of theory and research for the sociology of education*, Greenwood.